

چالش‌های پزشکی و دارویی جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری

محمد معین‌اسلام

محمدحسین عرفان‌منش^۱

چکیده

جهانشمولی مالکیت فکری در خصوص محصولات پزشکی و دارویی، به این معنا است که در حال حاضر، اختراعات دارویی و پزشکی، فارغ از مرزبندی‌های سیاسی، در هر جا و همه جا، مورد حمایت انحصاری مالکیت صنعتی واقع شوند. در این پژوهش، از اسناد، مطالب و مقالات مرتبط با جهانی‌سازی مالکیت فکری در حوزه دارو و پزشکی مندرج در تارنماها و منابع کتابخانه‌ای، استفاده شده است. این مقاله، تلاشی است در راستای بررسی حقوقی چالش‌های مختلف در حمایت از اختراعات دارویی و روند جهانی‌شدن آن. بنابراین در این تحقیق، بیش از توجه به تقسیمات جغرافیایی، چالش‌های تأثیرگذار و نیز انتقادات وارده به حمایت از اختراعات دارویی ملاحظه شده است. می‌توان گفت در حال حاضر با توجه به چالش‌های حقوقی ایجادشده، فاقد یک نظام جهانشمول و قدرتمند حقوق مالکیت فکری در زمینه پزشکی و دارویی هستیم و در کوتاه‌مدت نیز تحقق چنین نظامی، غیر ممکن به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی

صنعت داروسازی، جهانی‌سازی، نظام حقوق مالکیت فکری، اختراعات دارویی، چالش‌های جهانشمولی

۱. پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
Email: Erfanmanesh1@gmail.com (نویسنده مسؤول).

چالش‌های پزشکی و دارویی جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری

این، یک حقیقت غیر قابل انکار است که در عصر کنونی، نظام حقوق مالکیت فکری به عنوان نیازی جدی، یکی از معیارهای اساسی پیشرفت و توسعه کشورها در زمینه‌های پزشکی و دارویی قلمداد می‌شود. اهمیت این موضوع هنگامی نمایان‌تر می‌شود که بدانیم این نظام، ایفاگر نقشی اساسی در تشویق و حمایت از اختراعات دارویی به حساب می‌آید. جهانشمولی مالکیت فکری در حوزه پزشکی و دارو، به این معنا است که در حال حاضر، اختراع محصولات دارویی و پزشکی، فارغ از مرزبندی‌های سیاسی، در هر جا و همه جا، مورد حمایت واقع شوند. از این رو، نظام کارآمد حقوق مالکیت فکری، دارای ویژگی راهبردی برای کشورهای صاحب صنعت دارو است و در ارتقای اقتصاد ملی نقشی بی‌بدیل دارد.

اختراعات دارویی، همواره روند رو به رشد مستمری داشته و موضوعات جدیدی را به حوزه حقوق مالکیت فکری افزوده است. تغییر و تحول این شاخه از مالکیت، متأثر از تحولات اقتصادی - اجتماعی و نیز پیشرفت‌های فناوری بوده است. امروزه، حقوق مالکیت فکری، به بخشی از دارایی و سرمایه ناملموس شرکت‌های بزرگ و تأثیرگذار در عرصه نوین داروسازی تبدیل شده است. بنابراین حضور شخصی و انفرادی دارندگان و مالکان این حقوق، کم‌رنگ‌تر شده است. از این هم فراتر، در دوران حاضر، نظام حقوق مالکیت فکری، تعیین‌کننده مسیر دستیابی جامعه به دستاوردهایی برای زندگی بهتر شده است.

این مقاله، تلاشی است در راستای بررسی حقوقی چالش‌های مختلف بر سر حمایت جهانی از اختراعات دارویی و روند جهانی‌شدن آن. در این مطالعه، سعی شده است تا مخالفت‌های مهم و متنوع در خصوص تحولات جهانشمول نظام مالکیت فکری در عرصه پزشکی مدّ نظر قرار گیرند. نمونه بارز این گرایش‌ها،

استناد به تأثیر نامطلوب حمایت انحصاری از اختراعات پزشکی و دارویی است که در این حرکت به سمت جهانشمولی، مانعی بر سر توسعه و رشد بخش بهداشت و درمان به ویژه در کشورهای در حال توسعه و پس از آن، سیر به فضایی فراتر مانند استانداردهای «فراتریپسی»^۱ است.

البته این بررسی نمی‌تواند منعکس‌کننده تمام واقعیت جهان امروز باشد، چراکه در کنار این اعتراضات، طرفداران حمایت حداکثری از اختراعات پزشکی، دیدگاه‌های ویژه خود را در عرصه حمایت از محصولات دارویی مطرح می‌کنند و ملاحظه این اختلافات، جهت تبیین اهمیت بررسی چالش‌های جهانی‌سازی نظام حقوق مالکیت فکری است. بنابراین در این تحقیق، بیش از توجه به خود جهانی‌سازی، مخالفت‌های تأثیرگذار و نیز پرسش‌های چالشی در خصوص حمایت از اختراعات دارویی نظیر مورد تردید قراردادن اهمیت و تأثیر حقوق مالکیت فکری در رشد و توسعه صنایع پزشکی و دارویی ملاحظه شده است.

بنابراین در این مقاله، به ترتیب در چهار بند، چالش‌ها و ایرادات حمایت جهانشمول از اختراعات دارویی و پزشکی و سرانجام این نزاع را بررسی خواهیم کرد.

۱- تنوع مخالفت‌ها با جهانی‌سازی نظام حقوق مالکیت فکری در حوزه پزشکی و دارویی

از همان ابتدا، حقوق مالکیت فکری طرفداران سرسخت و مخالفان سرسخت داشت، اگرچه در چند قرن گذشته، تقلید و گسترش نوآوری و خلاقیت، تحولاتی داشته است، اما مباحثات و مناقشات بر سر مالکیت فکری، تکرار همان دعوای پیشین است. از این مجادلات می‌توان دو مدل تفکر متفاوت در خصوص حقوق مالکیت

فکری را استنباط کرد: نخستین الگو، حمایت حداکثری از مالکیت فکری را برای توسعه صنایع پزشکی و دارویی توصیه می‌کند و دومی، حمایت ضعیف یا عدم حمایت را برای ترویج و گسترش دانش پزشکی.

نظریه حمایت حداکثری از حقوق مالکیت فکری، با اعتراضات شدیدی مواجه شده است. نخستین دلیل مخالفان این است که حمایت مضاعف از مالکیت فکری، مضر است چرا که با ایجاد انحصار قانونی، ترویج و گسترش دانش پزشکی و داروسازی را کاهش داده و با مانع مواجه می‌کند (اندرسون، ۲۰۰۶، ص ۸۹). از آنجا که دانش، دانش می‌آورد (هر دانشی، به ایجاد دانش و نوآوری بعدی کمک می‌کند)، مالکیت فکری، چرخه انحصاری و دایره بسته‌ای را ایجاد می‌نماید که فعالیت‌های ابتکاری را متوقف خواهد کرد. این استدلال به ویژه در خصوص صنایعی مثل صنایع دارویی و پزشکی که در آن‌ها نوآوری، وابسته به مجموعه‌ای از ابتکارات دنباله‌دار و سریالی و تکمیل‌کننده و ادامه‌دهنده فناوری‌های پیشین است صدق می‌کند (مرجز، ۱۹۹۰، ص ۹۱۰).

در این موارد، تقلید و اقتباس، می‌تواند منجر به نوآوری‌های بیشتر شود، در حالی که انحصار شدید ناشی از گواهی‌های حق اختراع، مانع از وقوع چنین رویدادی خواهد شد (بسن، ۲۰۰۹، ص ۶۱۱). با تشدید حمایت از اختراعات، هزینه‌های حقوقی - قضایی، بیش از هزینه سرمایه‌گذاری در نوآوری خواهد شد و در نهایت، یک نظام علم و فناوری مبتنی بر دعاوی (دادرسی) و نه تحقیق و پژوهش خواهیم داشت. سرانجام، این حقوقدانان هستند که منتفع اصلی نظام جهانشمول حقوق مالکیت فکری خواهند شد نه پزشکان و داروسازان مبتکر و نوآور.

دوم این که حقوق مالکیت فکری، نحوه سرمایه گذاری بر روی نوآوری را هم دگرگون و از حالت صحیح و طبیعی خود منحرف می‌سازد، چرا که سرمایه گذاران را تنها به سمت موضوعاتی که سود بیشتری خواهد داشت و بیشتر مورد حمایت مالکیت فکری خواهد بود هدایت می‌کند و در نتیجه سایر زمینه‌های فناوری و فرصت‌های موردنیاز جامعه، مغفول واقع خواهد شد. برای نمونه، اثبات شده است که نوع و میزان حمایت در یک نظام حقوق مالکیت فکری، نه تنها بر فعالیت‌های نوآورانه بلکه بر سمت‌وسوی تحولات فنی نیز تأثیرگذار بوده است (موزر، ۲۰۰۵، ص ۱۲۱۴). بنابراین حمایت حداکثری از حقوق مالکیت فکری، به مصلحت و در جهت تأمین منافع عمومی جامعه نخواهد بود (مک میلان، ۲۰۰۶، ص ۶۹). استدلال سوم آن است که ثبت اختراعات گسترده و فراوان در صنایع دارویی و پزشکی، بیش از آنکه باعث تشویق به نوآوری شود، مانع خلاقیت و نوآوری بوده است.

عقاید مخالف با جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، با توجه به نیازهای کشورهای در حال توسعه، پررنگ‌تر جلوه می‌کند. در این کشورها، دانش و ساختارهای مربوط به علم و فناوری، هنوز مراحل ابتدایی شکل‌گیری خود را طی می‌کند و در صورت ایجاد توافقی جهانی بر حمایت حداکثری از حقوق مالکیت فکری و لزوم پرداخت بهای سنگین برای انتقال فناوری، این کشورها به شدت تحت تأثیر آثار ناگوار این نظم جهانشمول قرار خواهند گرفت (لای، ۱۹۹۸، ص ۱۵۳). از دیدگاه شمال - جنوب (پارلو، ۲۰۰۸، ص ۲۵۹) نظام جهانشمول مالکیت فکری، مانعی بر سر رشد در حال توسعه‌ها است، چرا که میزان انتقال دانش و نیز تقلید را کاهش داده و برعکس هزینه و بهای دسترسی به دانش را افزایش می‌دهد (هلب من، ۱۹۹۳، ص ۱۲۴۷).

نظام ماقبل تریپس که نظامی با حمایت حداکثری از حقوق مالکیت فکری در کشورهای توسعه‌یافته و حمایتی ضعیف در کشورهای در حال توسعه بود، نظم مطلوب و سازگاری داشت، چراکه به کشورهای با درآمد کم تا متوسط، اجازه انتفاع از مزیت‌های ایجادشده در جایی دیگر (کشورهای توسعه‌یافته) را می‌داد. بنابراین ضربه به توسعه، یکی از آثار و عوارض موافقتنامه تریپس بود که اجازه ایجاد یک نظام نوآوری و توسعه پایدار را به کشورهای در حال رشد نمی‌داد. وانگهی، جهانی‌سازی نظام مالکیت فکری، سبب نشت و انتقال منابع از اقتصادهای در حال توسعه به توسعه‌یافته‌ها شده و روند رشد و توسعه کشورهای در حال توسعه را با مشکل مواجه می‌کند.

همچنین انتقادات از جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، متوجه برخی کالاها و محصولات حیاتی مشمول حمایت این نظام شده است. مثال بارز این محصولات، داروی ویروس‌هایی چون ایدز بود که مشمول حق اختراع و در انحصار شرکت‌های بزرگ داروسازی امریکایی و اروپایی (مشهور به «Big Pharma») قرار داشت. با وجود این انحصار قانونی، صنایع دارویی در افریقای جنوبی، اقدام به ساخت غیر مجاز این داروها کردند که منجر به طرح شکایت شرکت‌های مذکور علیه دولت افریقای جنوبی شد. دولت افریقای جنوبی استدلال کرد که اکثر مبتلایان به ایدز، قادر به پرداخت قیمت داروی ثبت اختراع‌شده نیستند. کمپین دسترسی به دارو، از چنان قدرت و نفوذ اجتماعی برخوردار بود که توانست شرکت‌های بزرگ دارویی را وادار به استرداد دعوی نماید (۱۹۹۸، شماره پرونده: ۴۱۸۳/۹۸).

در این قضیه، انتقاد از جهانی‌سازی نظام مالکیت فکری با فعالیت‌ها و جنبش‌های سیاسی - اجتماعی گره خورد. این حرکت‌های اجتماعی، به مبارزه با سیاست شرکت‌های چندملیتی و سازمان جهانی تجارت در حمایت حداکثری از حقوق

مالکیت فکری، پرداختند. شرکت‌های بزرگی چون مایکروسافت و نیز شرکت‌های بزرگ داروسازی ایالات متحده، بیش از دیگران از سوی کمپین‌های مخالف انحصار مالکیت فکری، هدف قرار گرفتند.

پرسش چالشی: تأثیر واقعی حمایت انحصاری از حقوق مالکیت فکری، در ایجاد انگیزه و تولید دارو چقدر است؟

بیشتر چالش‌ها و مناقشات بر سر نقش نظام حقوق مالکیت فکری در جامعه پزشکی بر پاسخ به یک سؤال اساسی تکیه دارد: حمایت از نظام حقوق مالکیت فکری، تا چه میزان موجب تشویق نوآوری و تولید اختراع می‌شود؟ تا درجه‌ای که حقوق مالکیت فکری، امور مذکور را تشویق می‌کند باید مورد حمایت واقع گردد. این پرسش، یک سؤال دیگر را نیز به دنبال دارد: تا چه اندازه حمایت از مالکیت فکری، در توسعه صنایع دارویی و رشد بهداشت و سلامتی مؤثر است؟ این پرسش فرعی، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه و کم‌تر توسعه یافته به دلیل تلاش آن‌ها برای ارتقای استانداردهای زندگی شهروندانشان از طریق توسعه فنی و رشد فردی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

روشن است که حمایت از حقوق مالکیت فکری، لزوماً پیش‌شرط تشویق تمامی فعالیت‌های ابتکاری و خلاق نمی‌باشد.

بسیاری از اختراعات مهم و تأثیرگذار، پیش از ایجاد نظام ثبت و حمایت از اختراعات خلق شده‌اند: باروت، دستگاه چاپ و دستگاه تعیین ساعت و زمان حضور و غیاب کارکنان، همگی بدون بهره‌مندی از مشوق‌های مادی ارائه شده در نظام کنونی حقوق مالکیت فکری، اختراع شده‌اند. این مثال‌ها نشان می‌دهد تضمین سود مالی در نظام‌های فعلی حقوق مالکیت فکری، پیش‌شرطی ضروری برای همه نوآوری‌ها نیست.

هنوز هم تصویر ذهنی خاطرات هنرمندان تنگدست و مخترعانی که دیوانه‌وار در زیرزمینی محقر مشغول آفرینش و خلاقیت بوده‌اند، به قوت خود باقی بوده و نشانه و الگوی تلاش‌های نوآورانه است، البته با وجود این، در نگاه کلی، بسیاری از محصولات و فعالیت‌های ابتکاری، به ویژه آن‌ها که برای خلق، تجاری‌سازی یا عرضه و توزیع، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان هستند، قطعاً بدون مشوق‌های مادی فراهم‌آمده در قوانین مالکیت فکری، ایجاد نخواهند شد. صنایع داروسازی، تصاویر متحرک و برنامه‌های پیچیده رایانه‌ای، نمونه‌هایی عینی از فعالیت‌های متکی به مشوق‌های نظام حقوق مالکیت فکری هستند.

بر اساس اعلام انجمن «تحقیق و ساخت دارویی امریکا»^۲ هزینه متوسط ایجاد، آزمایش و بازاریابی یک داروی جدید، حدود پانصد میلیون دلار می‌شود. از میان پنج‌هزار داروی آزمایش‌شده، به طور متوسط تنها پنج دارو در آزمایش‌های بالینی، تست شده و فقط، یکی از آن‌ها، مجوز استفاده بر روی بیمار را دریافت می‌نماید. وانگهی، متوسط زمان عرضه یک داروی جدید به بازار، به طور تقریبی، دوازده تا پانزده سال است؛ از ده دارو، تنها سه تا می‌توانند به اندازه‌ای درآمدزایی کنند که هزینه‌های تحقیق و توسعه‌شان را پوشش دهد (تحقیق و سازندگان دارویی آمریکا، ۲۰۰۰). پدیدآوردن، آزمودن و بازاریابی موفق یک نرم‌افزار رایانه‌ای نیز نیازمند صرف کار و سرمایه هنگفتی می‌باشد.

درست است که راه‌های دیگری غیر از بهره‌برداری تجاری نیز برای تأمین مالی تحقیقات پزشکی و درمانی مثل بنیادهای خیریه وجود دارد، اما حقیقت این است که در نبود مشوق‌های مالی برای تکامل این داروها و محصولات پزشکی، خلق فراورده‌های پایدار و بادوام، دچار وقفه می‌شود و موارد استثنایی مذکور، قابل اتکا نیست. حقوق مالکیت صنعتی، برای پزشکان و داروسازان، مشوق‌های مادی

لازم را برای آفرینش و مهم‌تر از آن برای صرف زمان و منابع بیشتر جهت تکمیل و رفع نواقص محصولات پزشکی و دارویی فراهم می‌آورد. قوانین حقوق مالکیت فکری، با انگیزه‌سازی برای نوآوری، توسعه تجاری و اقتصادی کشورها را سرعت می‌بخشند. تردیدی نیست که یک نظام قدرتمند مالکیت فکری در سطح بین‌الملل، از لحاظ اقتصادی به سود کشورهای است که محصولاتشان در دنیا به صورت غیر مجاز تکثیر و توزیع می‌شود. از این رو، سود واقعی را کشورهای می‌برند که از فرصت‌های ایجاد شده در جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، برای خلق ثروت بهره می‌برند.

در نبود نظام حقوق مالکیت فکری، اگرچه شرکت‌های سرشناس داروسازی، به خاطر تأثیر ناچیز تولید غیر مجاز اختراعات دارویی بر درآمدهای هنگفتشان، از ادامه کار خود دست نمی‌کشند، اما داروسازان کم‌تر شناخته شده در کشورهای در حال توسعه، بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر نقض حقوق مالکیت فکری، متحمل شده و بخش مهمی از درآمدها را به علت تجاوز به حقوق و تقلید غیر مجاز، از دست می‌دهند.

نقش نظام حقوق مالکیت فکری در تولید ثروت، تنها در ایجاد انگیزه برای نوآوری خلاصه نشده است و انگیزه لازم برای عرضه دارو و محصولات جدید به عموم را نیز دربر می‌گیرد. لغو حمایت قانونی از داروسازان و دیگر عرضه‌کنندگان محصولات پزشکی، تأثیر نامطلوبی بر کیفیت و گستره توزیع عمومی این اختراعات می‌گذارد. در حالی که به نظر می‌رسد امروزه با ظهور امکان عرضه شخصی و انفرادی محصولات در اینترنت، توزیع دارو، آسان‌تر شده باشد. حذف و از میان رفتن صنایع نوپا و مبتکر دارویی در اثر لغو حمایت‌های انحصاری، تأثیر مخربی بر دسترسی عموم به طیف وسیعی از داروهای جدید خواهد داشت. بدین جهت،

بایستی میان حمایت از پدیدآورندگان و دسترسی عموم به بهداشت و درمان، به گونه‌ای تعادل برقرار گردد که تمامی مسیرهای عرضه محصولات به عموم، چه مجاری سنتی و چه خروجی‌های جدید رسانه‌ای، در سایه حمایت‌های قانونی قرار داشته باشند.

نگاهی متفاوت و چالشی: میزان قدرت و نفوذ واقعی حقوق مالکیت فکری چقدر است؟

هم مخالفان و هم موافقان جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، در نظرات خود نکاتی از شکل‌گیری، انتقال و گسترش نوآوری بیان کرده‌اند، اما جالب اینجاست که هر دو تفکر، متکی به فروض مطرح در کتاب‌های درسی هستند: این آثار، نظام حقوق مالکیت فکری را از آنچه که در واقع امر هست، قدرتمندتر فرض کرده‌اند. هر دو نظریه، چنین تصور کرده‌اند که حمایت حداکثری از حقوق مالکیت فکری، حفاظت از اختراع، نوآوری و دارایی‌های فکری را تضمین کرده و در مقابل، حمایت ضعیف، به مقلدان اجازه دسترسی به دانش مربوط را می‌دهد. در حالی که چنین نیست و شواهد امر، حاکی از آن است که حقوق مالکیت فکری کم‌اثرتر از آن است که هر دو مکتب فرض کرده‌اند (آرچی بوگی، ۲۰۱۵، ص ۱۲).

از نظرگاه مخترع و نوآور، این موضوع باید روشن شود که مزیت اقتصادی اصلی او، صرف حمایت از مالکیت فکری نیست، بلکه کسب سود از آن است. برای بهبود و ارتقای درآمدزایی از اختراعات، نوآوری‌ها و دارایی‌های فکری، شرکت‌های داروسازی باید سیاست‌گذاری‌های پیچیده‌ای را اتخاذ کنند که شامل تحقیق و توسعه، طراحی، صرف زمان، توانایی عرضه محصول به بازار و نیز ترکیب فوت و فن‌های کوزه‌گری در صنعت با قواعد حقوق مالکیت فکری می‌شود. مالکیت فکری تنها یکی از عناصر این استراتژی و نه مهم‌ترین آن‌هاست.

تحقیقات انجام شده در خصوص شرکت‌های دارویی امریکایی و اروپایی بیانگر آن است که ثبت اختراع و سایر اقدامات حقوقی، نسبت به سایر عوامل، کم‌ترین اهمیت را دارد (آرون‌دل، ۲۰۰۱، ص ۶۱۱).

از دیدگاه مصرف‌کنندگان، تقلیدکنندگان احتمالی، به صرف دسترسی به دانشی که مورد حمایت حقوق مالکیت فکری قرار نگرفته است، توانایی لازم برای تولید محصول را به دست نخواهند آورد. به کارگیری دانش برای تولید دارو، به مجموعه‌ای بزرگ از عناصر مختلف وابسته است. حقوق مالکیت فکری، حداکثر بخشی از دانش تدوین و اظهارشده را حفاظت می‌کند، اما عنصر مهم‌تری به نام «دانش ضمنی، درونی و پنهان» وجود دارد که در اوراق حق اختراع، کتاب‌های راهنما، نرم‌افزارها، نقشه‌ها و طرح‌ها یافت نمی‌شود (پاویت، ۱۹۹۹، ص ۲۵).

تقلیدکاران برای استفاده درست از این دانش، نیازمند دسترسی به بخش ضمنی آن هستند. داشتن نُت‌های موسیقی و ویولن، برای اجرای کنسرت و ویولن بتهوون کافی نیست، همچنانکه استفاده رایگان و آزاد از حق اختراع ساخت یک دارو، موجب نمی‌شود استفاده‌کننده بتواند فوراً کارخانه تولید داروی مذکور را راه‌اندازی کند. حق اختراع، بیش از بیست سال اعتبار ندارد؛ پس از این مدت، دانش مورد حمایت از طریق گواهی مزبور، در دسترس عموم قرار می‌گیرد. با وجود این، تصور این که اگر با برداشته شدن حمایت در سراسر دنیا، کشورهای در حال توسعه قادر باشند به سرعت، دانش متعلق به توسعه‌یافته‌ها را شبیه‌سازی و کاربردی نمایند، بسیار دشوار است. دلیل آن ساده است: دسترسی به دانش، بیش از آنکه با ابزارهای حقوقی منع شده باشد، با نبود قابلیت کافی در تقلیدگران و نبود سایر منابع تکمیلی ناممکن شده است. جوهر کلام آنکه حقوق مالکیت فکری، کم‌تر از آنچه که خالقان و مصرف‌کنندگان دانش تصور کرده‌اند، اهمیت دارد.

البته در اقتصاد پیچیده امروز که صنایع مختلفی با خصوصیات متفاوت وجود دارد، نمی‌توان حکم کلی صادر کرد. تحقیقات نشان داده است واکنش صنایع و محصولات مختلف به حقوق مالکیت فکری، یکسان نبوده است. در میان صنایع تولیدی، داروسازی و با فاصله زیاد پس از آن، صنایع شیمیایی، بیش از سایر صنایع، به حق اختراع وابسته‌اند. در نبود نظام حقوق مالکیت فکری، در صنعت دارو، دوسوم و در صنایع شیمیایی یک‌سوم از نوآوری‌ها محقق نمی‌شد (منزفیلد، ۱۹۸۶، ص ۱۸۱). در سایر صنایع با فناوری پیشرفته^۴ نظیر رایانه، الکترونیک، هوافضا، خودرو و مهندسی مکانیک، حقوق مالکیت فکری نسبت به سایر عوامل ارتقای نوآوری، جنبه فرعی یا تکمیلی دارد.

اغلب بحث‌ها و چالش‌ها پیرامون جهانشمولی نظام حقوق مالکیت فکری، بر موضوع صنعت دارو متمرکز شده است. این امر، تأییدکننده اهمیت مالکیت فکری و به ویژه حق اختراع برای این صنعت است و محرومیت از دارو به علت انحصار حقوق مالکیت فکری، می‌تواند تأثیر فوری بر سلامت داشته باشد و به همین دلیل است که توجه رسانه‌ها، جنبش‌های اجتماعی و مقامات کشورها را به خود جلب کرده است. از لحاظ اخلاقی، این استدلال که هر شهروند، فارغ از سطح درآمدش باید به داروی موردنیازش دسترسی داشته باشد، سخنی منطقی است (بروان، ۲۰۱۴، ص ۱۵۱).

با وجود این، به دشواری می‌توان پذیرفت که به محض لغو تریپس، صنعت داروسازی^۵ در کشورهای در حال توسعه، به سرعت رشد کرده و تبدیل به یک فناوری پیشرفته شود. بنابراین میان دو نکته در بحث دارو باید قائل به تفکیک بود. نکته نخست، دسترسی به دارو و موضوع دوم، ظرفیت توسعه اقتصادی و فنی در کشورهای با درآمد کم و متوسط است. فرضیه ما این است که اگرچه موافقتنامه

تریپس دسترسی به دارو را در کشورهای کم‌درآمد تحت تأثیر قرار داده، اما توسعه فنی و اقتصادی آن‌ها را مانع نشده است.

به طور خلاصه باید گفت، حقوق مالکیت فکری به خودی خود نمی‌تواند سود و درآمد ناشی از اختراع، نوآوری و به طور کلی دارایی‌های فکری را تضمین کند یا کاهش دهد. سود نوآوری‌ها از مجاری مختلفی به دست می‌آید و اگر از شرکت‌های دارویی بپرسید، حق اختراع را عاملی فرعی در کسب درآمد از نوآوری معرفی می‌نمایند. این واقعیت، سؤالی منطقی را پیش می‌کشد: اگر تأثیر مالکیت فکری این قدر کم است، چرا تا به این حد، مورد توجه شرکت‌های داروسازی، دولت‌ها، گروه‌های فشار (لابی‌ها) و جنبش‌های اجتماعی قرار گرفته است؟

یک فرضیه این است که بگوییم حقوق مالکیت فکری، بیش از سایر عوامل، دیده شده و به چشم می‌آید و به همین دلیل هم سریع‌تر و آسان‌تر از دیگر عناصر در درآمدزایی از خلاقیت، قابل تغییر و اصلاح است در حالی که سایر عوامل تشویق و ایجاد انگیزه نوآوری، پیچیده‌تر و پنهان‌ترند. به عبارت دیگر، در این موضوع، بیشتر به نوک انگشتی که به ماه اشاره کرده توجه شده تا به خود ماه. فرضیه دوم هم این است که ثبت اختراعات، تبدیل به مسابقه‌ای بی‌نتیجه و بی‌فایده میان شرکت‌های دارویی شده است که در آن، هر شرکت می‌کوشد برای عقب‌نماندن و محتاج‌نشدن به رقیبان تا جایی که در توان دارد، به ثبت اختراع بپردازد. نتیجه این رقابت، تشویق شرکت‌های داروسازی به بزرگ‌تر کردن مجموعه و سبد دارایی‌های فکریشان بدون توجه به ارزش ناشی از آن‌ها با هدف در امان ماندن از رقبا نه مقلدان است.

۲- تأثیر تقابل‌ها و چالش‌های دارویی و پزشکی بر سرنوشت نظام جهانشمول مالکیت فکری

جریانی که از سوی شرکت‌های بزرگ امریکایی رهبری و هدایت می‌شود، همواره به دنبال ایجاد یک نظام جهانشمول قدرتمند و حمایتی حداکثری از حقوق مالکیت فکری بوده است. موافقتنامه تریپس، ثمره اصلی این تلاش بود. این فعالیت‌ها منجر به ایجاد چالش‌ها و تقابل‌های حساس و جدی هم در فضای علمی و دانشگاهی (آکادمیک) و هم دنیای خارج گردید. طرفداران حمایت حداکثری از حقوق مالکیت فکری، معتقد بودند بدون چنین حمایتی، این خطر وجود دارد که شرکت‌های دارویی و سایر سرمایه‌گذاران بخش بهداشت و سلامت انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری روی تحقیق و توسعه^۵ و نوآوری نخواهند داشت. در مقابل، مخالفان جهانشمولی بر این باورند که تشدید و تقویت حمایت از حقوق مالکیت فکری، کشورهای در حال توسعه را در سازگاری با این نظم جدید جهانی، دچار مشکل می‌کند.

این دو دیدگاه با وجود این که سیاست‌گذاری‌های کاملاً متفاوتی را نتیجه خواهند داد در یک نکته با هم مشترکند و آن این است که حقوق مالکیت فکری می‌تواند در عمل، اقتصاد و اجتماع را دگرگون سازد. در مقابل، در مطالب قبل، بحث کردیم که حقوق مالکیت فکری به خودی خود تغییر عمده‌ای در فرایند انتقال و تحصیل فناوری ایجاد نمی‌کند. موانع دیگری غیر از حقوق مالکیت فکری، بر سر راه انتقال فناوری وجود دارد. با عدم سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، آموزش و زیرساخت‌های لازم، امکان انتفاع کشورهای در حال توسعه از دانش ایجادشده در سایر نقاط، نامحتمل و بعید است. حقوق مالکیت فکری، چه در وضعیت ضعیف و چه در حالت قوی خود، تأثیری در این موضوع نخواهد داشت.

در یک محیط اقتصادی متغیر و در حال تحول، بازیگران اقتصادی نیز متناسب با قیمت و هزینه‌ای که برای نوآوری می‌پردازند، قادر به تغییر رفتار خود هستند. اگر هزینه تحصیل نوآوری و دانش تولید محصولات افزایش یابد بازیگران جدید از این موقعیت به‌عنوان فرصتی برای ورود به بازارهای سودآور استفاده می‌کنند. حمایت حداکثری از حقوق مالکیت فکری و تشدید ضمانت اجرای آن، دارندگان این حقوق را به افزایش قیمت‌ها به جای ارتقای محصول ترغیب می‌کند: با اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه‌تری نسبت به دارو، بسیاری از شرکت‌ها، مجبور به ترک استفاده از «محصولات کپی شده» شدند و این، قطعاً به سود شرکت‌های تولیدکننده دارو بود، اما با افزایش قیمت‌ها، مشتریان به دنبال جایگزین رفتند. این امر منجر به گسترش ناگهانی و دور از انتظار نظام‌های جایگزین نظیر انجمن‌های خیریه درمانی گردید. بدین ترتیب، از فروش داروهای مشمول حق اختراع کاسته شد. شرکت‌ها اغلب به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه برای تحصیل سود از نوآوری‌ها و اختراعاتشان، انعطاف در اعمال حقوق مالکیت فکری مربوط است، چراکه چنین سیاستی به گسترش و ترویج محصولاتشان کمک می‌کند.

نتیجه

به عنوان نتیجه باید گفت هنوز با یک نظام جهانشمول و مؤثر حقوق مالکیت فکری در عرصه پزشکی، بسیار فاصله داریم، اگرچه کشورهای غربی با استفاده از نفوذ و قدرت خود در سازمان‌های بین‌المللی توانسته‌اند به سطحی از یکنواخت‌سازی قواعد حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی دست پیدا کنند، اما هنوز کشورها سلیقه و نظارت شدیدی بر نحوه پیاده‌سازی و ضمانت اجرای مقررات تریپس در داخل مرزهای خود اعمال می‌کنند و بدین‌سان جهانشمولی این نظام را با تردید مواجه کرده‌اند. نظام حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت نیز دارای محدودیت‌هایی است که باعث شده تنها در موارد معدود و چارچوب محدودی مورد استفاده کشورها قرار گیرد. بدین‌سان، در حال حاضر فاقد یک نظام جهانشمول و قدرتمند حقوق مالکیت فکری در زمینه پزشکی و دارویی هستیم و در کوتاه‌مدت نیز تحقق چنین نظامی، غیر ممکن به نظر می‌رسد.

پی‌نوشت‌ها

1. TRIPS-Plus
2. PhRMA: Pharmaceutical Research and Manufacturers of America
3. tacit knowledge
4. high-tech
5. R & D

فهرست منابع

- Andersen, Birgitte, ed, 2006, Intellectual Property Rights. Innovation, Governance and the Institutional Environment. Cheltenham: Edward Elgar, p.89.
- Archibugi, Daniele, Andrea, Filippetti, 2015, The Global Handbook of Science, Technology and Innovation. Oxford: Wiley, p.12.
- Arundel, Anthony, 2001, The Relative Effectiveness of Patents and Secrecy for Appropriation. *Research Policy*, 30: 611.
- Bessen, James, Eric, Maskin, 2009, Sequential Innovation, Patents, and Imitation. *The RAND Journal of Economics*, 40: 611.
- Helpman, Elhanan, 1993, Innovation, Imitation and Intellectual Property Rights. *Econometrica*, 61: 1247.
- Lai, Edwin, 1998, International Property Right Protection and the Rate of Product Innovation. *Journal of Development Economics*, 55: 153.
- Macmillan, Fiona, 2006, Public Interest and the Public Domain in an Era of Corporate Dominance. In *Intellectual Property Rights. Innovation, Governance and the Institutional Environment*, edited by Birgitte Andersen, p.69. Cheltenham: Edward Elgar.
- Mansfield, Edwin, 1986, Patents and Innovation: An Empirical Study. *Management Science*, 32: 181.
- Merges, Robert P, Richard, R, Nelson, 1990, On the Complex Economy of Patent Scope. *Columbia Law Review*, 90: 910.
- Moser, Petra. 2005. How Do Patent Laws Influence Innovation? Evidence from Nineteenth Century World's Fairs. *The American Economic Review*, 95: 1214.
- Parelo, Carmelo P, 2008, A North-South Model of Intellectual Property Rights Protection and Skill Accumulation. *Journal of Development Economics*, 85: 259.

Pavitt, Keith, 1999, Technology, Management, and Systems of Innovation, Cheltenham: Edward Elgar, p.25.

Pharmaceutical Company Lawsuit v the Government of South Africa, Case number: 4183/98, 1998, High Court of South Africa (Transvaal Provincial Division).

Pharmaceutical Research and Manufacturers of America, Why Do Medicines Cost So Much?, 2000, at <http://www.phrma.org/publications/publications/brochure/questions/whycostmuch.phtml> (last visited Aug. 17, 2001).

یادداشت شناسه مؤلفان

محمد معین‌اسلام: پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

محمدحسین عرفان‌منش: پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

نشانی الکترونیک: Erfanmanesh1@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۲/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۶/۲